

پرستو فروهر: قوانین تحمیلی بر زنان با جنبش اخیر به عقب رانده شود

سه‌شنبه ۱۸ اسفند ۱۳۸۸ - ۹ مارس ۲۰۱۰



“ندا حقیقت”

دوشنبه شب مراسم هشتم مارس توسط هیات گرداننده این مراسم در مرکز تجمعات کارگاه هانوفر در آلمان برگزار شد.

هیات گرداننده مراسم هشتم مارس در هانوفر که از سال 1998 ایجاد شده است گروه‌های مختلفی مانند شبکه زنان افغانی، مرکز مشاوره و درمان “آماندا”، سازمان حقوق بشر، شورای جهان سوم در هانوفر، سندیکاها، همایش زنان ایرانی، موسسات کلیسایی، مرکز فرهنگی کارگاه، تشکل بین المللی زنان “لاروزا”، سازمان حقوق برابری هانوفر و ... را شامل می‌شود. این هیات هر ساله به مدت یکماه برنامه‌های مختلف از جمله اجرای کنسرت، کتابخوانی، پخش فیلم، نمایشگاه عکس و ... را در شهر هانوفر برنامه ریزی می‌کند.

هر ساله در هشتم مارس موضوع یکی از کشورهای دنیا مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که موضوع امسال به مسائل زنان ایران تعلق گرفت.

“پرستو فروهر” فرزند شادروان داریوش فروهر و پروانه فروهر امسال به عنوان سخنران در این مراسم حضور داشت و درباره جنبش اخیر و وضعیت زنان در کشور سخن گفت.

قبل از سخنرانی فروهر نمایشگاه عکسی از آثار “جین هامیلتون- بیک” jeanne hamilton-bick برگزار شد. هر ساله در مراسم 8 مارس آثار نقاشی از یک کشور به معرض نمایش قرار داده می‌شود و امسال آثار هامیلتون- بیک از آمریکا نمایش داده شد.

طبق رسم هر ساله در پایان مراسم، برنامه هنری از هنرمندانی که نام آنها در عرصه هنر آشنا نیست اجرا شد تا این هنرمندان با فرصت بدست آمده بتوانند آثار خود را به نمایش گذارند.

پرستو فروهر پس از سخنرانی درباره وضعیت زنان ایران، مصاحبه کوتاهی با “ندای آزادی” انجام داده است که به دین شرح است:

چرا بیشتر مبارزات مدنی در ایران توسط زنان انجام می‌گیرد؟
اینکه در ایران حقوق زنان در عرصه های مختلف اجتماعی، شخصی و سیاسی بطور دائم مورد تجاوز حکومتی است یا سیستم فکری عقیدتی حکومتی که برای آنان ارزشی نیم مردان قائل است، شاید بیشترین دلیلی باشد که زن ها را به واکنش واداشته است.

زنان جوانی که با حضور در عرصه های اجتماعی به تحصیل پرداخته اند و سعی می‌کنند روی پای خود بایستند و زندگی کنند و چه در عرصه خانوادگی و چه در عرصه فردی به نوعی استقلال شخصی دست پیدا کنند. به دلیل راهیابی به تحصیل و شغل دیگر تحمیل زیر پا گذاشته شدن حقوقشان دشوار است. ما در عرصه های متفاوت در جامعه ایران می‌بینیم که زنان شروع به واکنش کرده اند این واکنش از انجام اعمال ساده ای نظیر بیرون آوردن مو از جلوی حجاب اجباری بود تا واکنش هایی در زمینه اینکه چگونه می‌توان قوانینی که محدود کننده حقوق زن هستند با پدید آوردن جنبش های اجتماعی تغییر داد.

یکی از مشخصه های اصلی حرکت زنان در طی سالهای گذشته این بود که سعی کردند در ابتدا سنت ها و تفکرات حاکم بر جامعه نسبت به زن را تغییر دهند. گفت و گوهای چهره به چهره با زنان قشرهای اجتماعی که مورد تبعیض قرار گرفته می‌گرفتند ولی شاید سنت اینکه بر روی حقوق خود پافشاری کنند کمتر وجود داشت، یکی از کارهای بسیار با ارزشی است که بسیاری از فعالان زنان در سالهای گذشته انجام داده اند.

جنبش های مختلفی که سعی کردند بر اساس آن امضا جمع کنند نظیر جنبش یک میلیون امضا برای تغییر قوانینی که در آن حقوق زن رعایت نمی‌شود یا مساله ایجاد گفت و گو بین فعالان زنان و بافت های حکومتی و اینکه تقاضا و خواسته های خود را بیان کنند و به گوش مسوولان برسانند، اینها همه واکنش هایی است نسبت به بی عدالتی دائمی که در زمینه های مختلف در تمامی سالهای گذشته وجود داشته و به مرور زنان به این خودآگاهی رسیده اند که باید خودشان بر حقوقشان پافشاری کنند.

در حال حاضر چه زنانی به مسند قدرت تکیه داده اند؟ می‌دانید که تعداد زنان در مجلس شورای اسلامی در گذشته و حال انگشت شمار بوده است و یا ورود زنان به کابینه دولت کمتر مشاهده شده است، از طرفی جامعه شناسان معتقدند در جوامع توسعه نیافته در صورتیکه زنان به عرصه های حکومتی راه داده نشوند آنان از طریق مردانشان سعی می‌کنند که به نوعی در تصمیمات مملکتی دخالت کنند که این حضور مثبت نیست. نظر شما در این خصوص چیست؟

این اعمال قدرت در واقع می تواند یک راه گریزی ناهموار باشد به مساله تامین حقوق فردی و اجتماعی خویش، اما آنچه ما در جامعه ایران می بینیم عکس این است. زنان به غیر از آنانی که در بافت قدرت شرکت دارند و در بسیاری از موارد موضع گیری هایشان نسبت به مسائل زنان بسیار ضد زن تر از برخی مردان است، اگر به حرکتهای برابری جویانه زنان در ایران نگاه کنیم می بینیم که اتفاقا اینها می خواهند حضور مستقل داشته باشند و دقیقا از طریق حضور مستقل سیاسی و اجتماعی خود و به راه انداختن جنبش های مستقل با خواسته های خاص برابری جویانه حضور خود را نشان دهند. به همین دلیل من آن گرایش را در میان قدرت که حالا چند زن را روی مسندهای دست چنم می نشاند، واکنشی می بینم نسبت به تمایل عمومی که در جامعه برای احقاق حقوق زنان وجود دارد و حالا حکومت با همان شیوه های عوام فریبانه ای که در بسیاری از موارد دیگر هم دارد به چند زن مقام می دهد که البته آنها هم از بافت فکری و سنتی می آیند و بسیار کم می شود بر روی مسائل زنان بر آنها حساب کرد.

چه اتفاقی می افتد وقتی طرز فکر دولت بسیار عقب تر از ملت است ؟ همین اتفاقی که ما امروز در جامعه ایران شاهد آن هستیم. مردم برای احقاق حقوق خود بصورتی کاملا مسالمت آمیز دست به حرکت می زنند و سعی می کنند که در مقابل قدرتی که می خواهد حق تعیین سرنوشت را از آنان بگیرد با شیوه های مدنی مبارزه کنند، منتهی قدرت سیاسی متاسفانه در ایران با خشونت گسترده نسبت به این خواستی که بسیار جلوتر از حکومت واکنش نشان داده، رفتار کرده است. در حال حاضر مساله این است که چگونه می شود در مقابل سرکوب خشونت وار واکنش نشان داد و آن ایده اصلی مسالمت آمیز بودن حرکتهای اعتراضی را حفظ کرد ولی در عین حال حرکت را به پیش برد و پله پله به خواسته های اصلی جنبش نزدیک شد. این یک معضلی است که من فکر می کنم بسیاری از فعالان سیاسی در ایران و در بیرون ایران بر سر آن بحث و گفت و گو می کنند و هنوز این را نمی بینم که راه حل های اساسی در این مورد برای آن پیدا شود، ولی این مشکل را همه می شناسند و بیشتر بحث ها در محافل ایرانی برای این است که مشخص شود چگونه می توان جنبش را پیش برد که در بر دارنده خواسته های اکثریت باشد و در عین حال هزینه سنگینی که جان انسانها را در بر داشته باشد، پرداخته نشود و راههایی پیدا کرد که این سد خشونتی که دستگاه حاکمه در مقابل جنبش ایجاد کرده را به نوعی دور زد یا حکومت را وادار به عقب نشینی کرد.

در حال حاضر فشار بر روی جنبش بسیار زیاد شده و اتفاقات دهه 60 را تداعی می کند، نظر شما در این خصوص چیست؟

امیدوارم به هیچ وجه این اتفاقات به دهه 60 نرسد و نشانه‌هایش هم اینطور نیست. درست است که خشونت اعمال شده ولی من خشونت دهه 60 را که خود شاهد آن بوده‌ام نمی‌بینم. آنروزها اسامی دهها نفر اعدامی روزانه از تلویزیون اعلام می‌شد و بعد نیز کشتارهای زندانیان در خفا انجام شد. من امیدوارم که خشونت چنان گستره‌ای پیدا نکند. الان خشونت هست و فشار بسیار زیاد است، بازداشتها افزایش پیدا کرده و فشار بر بازداشتی‌ها بالاست، کنترل بر انواع وسایل ارتباطی هر نوع سازماندهی را مشکل می‌کند اما خشونت خوشبختانه به آن حد نرسیده و امیدوارم که نرسد.

چه بر سر زن ایرانی آمد که 2500 سال پیش به او برابر مرد ارث می‌رسید ولی الان متأسفانه باید گفت که ارث به وی نصف نفر و حتی شتر می‌رسد؟

من مثل شما خوشبینانه به گذشته نگاه نمی‌کنم. در گذشته هم زن ایرانی در چارچوب سنت حاکم بر جامعه از حقوق چندانی برخوردار نبوده است. آنچه که امروز با آن در جامعه ایران روبرو هستیم چارچوبهای حکومتی است که از آنچه سطح توقعات و سطح فرهنگی امروز وجود دارد همانطور که در سوال قبلی خود گفتید، عقب مانده است اما به اعتقاد من دستاورد عظیم زنان ایران این بوده است که در سالهای گذشته کوشش فردی خود برای بهبود شرایط حضور در صحنه زندگی فردی و اجتماعی را انجام داده‌اند آنچنان که امروز ما دیگر نمی‌توانیم بگوییم که در جامعه ایرانی زنان به حق خود آگاه نیستند. آگاهی نسبت به حق خود در زنان بسیار رشد پیدا کرده و این دستاورد تلاش فردی و جمعی بسیاری از زنان بوده است. و اینکه چارچوبهای حکومتی محدودیتها را به زنان تحمیل می‌کند، من باز هم اینجا خوشبینانه به قضیه نگاه می‌کنم برای اینکه به آن بخش نیز توجه دارم؛ "جنبشی که زنان در ایران به پیش می‌برند در بسیاری از سطوح اجتماعی نسبت به گذشته افزایش یافته است". به همین دلیل امیدوارم قوانین تحمیلی با این جنبش به عقب رانده شود و زنان ایرانی از حقوق اولیه شهروندی برخوردار شوند.

در حاشیه مراسم هشتم مارس نمایشگاهی از آثار هنرمندان زن برگزار شد.





زنان در عراق – بزرگترین بازنده ها؟

زنان تحت شرایط کنونی عراق کاملاً در رنجند
سه‌شنبه ۱۸ اسفند ۱۳۸۸ – ۹ مارس ۲۰۱۰
گزارش ناهید جعفرپور

سازمان جهانی حقوق بشر در گزارش خود در ماه مارس ۲۰۰۹ گزارش می‌دهد که خشونت در خانواده بخصوص قتل‌های ناموسی در عراق افزایش یافته است. غالباً این قتل‌ها از سوئی با بی‌تفاوتی و از سوی دیگر به لحاظ ترس پلیس از عکس‌العمل خانواده‌های مورد نظربدون مجازات باقی می‌مانند.....

در زمانی که گرما در بغداد به بیش از ۴۵ درجه می‌رسد و برقی وجود ندارد تا یخچال‌ها و کولرها را به حرکت درآورد و در زمانی که سرما بیداد می‌کند و سوختی نیست که بخاری‌ها را روشن نماید، زمانی که آب آشامیدنی به قیمتی گزاف در مغازه‌ها به فروش می‌رسد و زمانیکه خبرگزاری‌ها در باره بمب‌گذاری‌ای دیگر با چندین کشته و زخمی گزارش می‌دهند در این هنگام رنج و فشار بر زنان عراق بیشتر و بیشتر می‌گردد. زیرا که در عراق با وجود اینکه تمامی شهروندان در رنجند اما زنان به لحاظ جنسیتشان از فشاری مضاعف در اجتماع برخوردارند و هر روز بیشتر از روز دیگر به حال خود و به امید خود رها می‌گردند. در عراق بعد از ده‌ها سال تحریم و جنگ و ترور طبق آمار وزارت زنان عراق تنها در محیط بزرگ بغداد بیش از ۳۰۰۰۰۰ بیوه زندگی می‌کنند. در کل عراق تعداد بیوه‌ها طبق همین آمار بیش از ۸۰۰۰۰۰ نفر می‌باشند. مطمئناً تعداد بیوه بسیار بیشتر از آمار رسمی است.

بسیاری زنان در عراق روزانه دست به هر تلاشی می زنند تا بتوانند امنیت بقای خانواده خود را تا حدی امنیت بخشند. اما متأسفانه همین تلاش ها هم روز بروز محدود تر می گردد. در این مسئله بسیاری از عوامل نقش بازی می کنند. نه تنها شبه نظامیان اسلامی بلکه همچنین نیروهای نظامی اشغالگر زنان را تا آنجا که ممکن است تحت فشار قرار می دهند تا بدینوسیله اطلاعات در باره افراد ذکور خانواده آنها که مظنون به شرکت در جنبش مقاومت می باشند، بدست آورند.

سازمان جهانی حقوق بشر در گزارش خود در ماه مارس 2009 گزارش می دهد که خشونت در خانواده بخصوص قتل های ناموسی در عراق افزایش یافته است. غالباً این قتل ها از سوئی با بی تفاوتی و از سوی دیگر به لحاظ ترس پلیس از عکس العمل خانواده های مورد نظربدون مجازات باقی می ماند.

پلیس بصره گزارش از افزایش قتل زنان می دهد و غالباً بستگان قربانی از شناسائی وی امتناع می ورزند یا اینکه جنازه را می سوزانند. بسیاری از زنان از سوی وابستگان به گروه های مسلح اسلامی و یا افراد ذکور خانواده شان بقتل می رسند. غالباً در کنار جنازه زنان یادداشتی یافت می شود که قربانی را متهم به عدم رعایت شئون اسلامی نموده است.

بخصوص این گونه قتل ها در منطقه خود مختار کردستان عراق رخ می دهند. از جون 2007 تا جون 2008 بیش از 102 زن در این منطقه بقتل رسیده اند. البته این آمار رسمی است. در حدود 262 زن در همین فاصله زمانی بشدت مجروح گشته اند زیرا که به آتش کشیده شده اند. از سال 2009 به بعد این آمار کاملاً صعود نموده است. فشار و ستم به زنان در عراق همواره در حال افزایش است. بسیاری از زنان در چهار دیواری خانه زندانی می باشند.

مردانی که بر علیه زنان نشان چنین خشونتی وحشتناک را مرتکب می شوند هرگز به محاکمه کشیده نمی شوند. جرم مردی که زنش را به دلائل ناموسی بقتل برساند در بدترین شرایط تنها 6 ماه حبس می باشد. قوانین جدید روز بروز دست مردان عراقی را برای ارتکاب چنین جنایاتی باز تر می نماید. از این روی پلیس و دستگاه قضائی غالباً از هیچ امکانی برخوردار نیستند تا این چنین مردانی را تحت پیگرد قانونی قرار دهند.

سارا زن جوانی از بغداد می گوید: " یکی از مشکلات زنان عراقی خشم مردان از موقعیت اجتماعی شان است. بسیاری از مردان بیکارند و خانه نشین شده اند و عقده خویش را بر سر همسر و فرزاندانشان خالی می کنند. در تمامی جهان یک چنین شرایطی وجود دارد اما مرد عربی عادت دارد در چنین شرایطی همسرش را آزار دهد.

کارین ملودوخ روانشناس از مرکز شرق مدرن برلین که در باره خاطرات زنانی که از جنایت های دیکتاتور بعثی در کردستان عراق جان بدر برده اند تحقیق می کند و به طور همت عالی مرکز زنان در کردستان عراق را پشتیبانی می نماید در مشاهداتش می گوید: "حتی بهبود اقتصادی و جذب بسیاری از زنان کرد به بازار کار و سیاست در این مسئله هیچ تغییری به وجود نیاورده است". وی می گوید سازمان های زنان کردستان با وجود اینکه موفق شدند که در سال های گذشته چند قانون را بنفع زنان تغییر دهند و بین خانه های زنان و پلیس همکاری خوب به وجود آورند اما این قانون ها غالباً اصلاً بکار گرفته نمی شوند".

نادیا ال علی جامعه شناس مدرسه:

(School of Oriental and African Studies (SOAS

و همچنین نویسنده کتاب های بیشماری در باره زنان عراق به همراه خانم نیکلا پرات متخصص حقوق سیاسی از 120 زن در باره تجربیاتشان از سال 2003 به بعد سؤال نموده اند. نتیجه که هم اکنون در کتابی به چاپ رسیده است اصلاً امیدوارکننده نیست. طبق این تحقیق تا اوائل سال های 80 زنان عراق به آموزش داده ترین و برابر ترین زنان دنیای عرب تعلق داشته اند. رژیم دیکتاتوری صدام و سپس جنگ ایران /عراق و بخصوص تحریم های 1990 به بعد کمک نمودند تا صدها هزار زن عراقی محل های کار و آموزش خویش را از دست بدهند. حمله نظامی 2003 و خشونت های بعد از آن این پروسه را تشدید نمود. امروز تعداد بسیار قلیلی دختر به مدرسه می روند. بخشی به خاطر فقر و برخی ترس از آدم ربائی و غیره.

برای نادیه ال علی روشن است که زنان در عراق بزرگترین بازنده ها در طی سال های گذشته می باشند. شرایط زنان همواره قبل از حمله به عراق بد بود اما امپراطوری آمریکا مخلوطی از میلیتاریسم و پدرسالاری را به آن اضافه نمود.

در حال حاضر در عراق بشدت در باره تصویب لایحه قانونی اسلامی جدیدی در باره عقد و طلاق و حضانت فرزندان و حق ارث بحث و تبادل نظر می

گردد. هنوز در عراق قانون 1959 حکم فرماست و با وجود تغییرات بیشمار زن ستیز در زمان دیکتاتوری صدام حسین به اعتقاد نمایندگان سازمان های زنان هنوز هم از جوانبی جنبه های مترقی دارد. ماده 41 قانون اساسی جدید در نظر دارد در آینده حقوق فردی عراقی ها را بر مبنای احکام اسلامی به اجرا در آورد. لیلال زوبیدی رئیس دفتر بنیاد هنریش بول در بیروت در این باره می نویسد: "تجربیات تا کنونی کشورهای دیگر اسلامی نشان داده است که یک چنین قوانینی تنها به ضرر زنان بوده است و غالباً موضوع بر سر این است که حقوق مردان محافظه کار مشخص گردد.

ائتلاف نظامی آمریکائی سال 2003 دمکراسی و حقوق بیشتر برای زنان را وعده داد اما برای زنان عراق امروز اوضاع طور دیگریست و آن حداقل حقوق موجود هم از آنها گرفته شده است. با وجود اینکه زنان حق راه یافتن به مجلس را دارا شدند اما حق موجودیت و حقوق اولیه انسانی زنان بشدت مورد هجوم قرار گرفت. نادیه ال علی اعتقاد دارد که با خروج نیروهای اشغال گر هم از عراق بهبودی در وضعیت زنان عراقی به وجود نخواهد آمد. وی می گوید حتی اگر خارجی ها هم بیرون روند صلحی برقرار نخواهد شد. البته این به آن معنی نیست که ما دست روی دست بگذاریم". نادیه در حال حاضر بر روی پروژه ای کار می کند که در نظر دارد از زنان تحصیل کرده در عراق پشتیبانی نماید. با وجود خشونت بیحد نسبت به زنان اما همواره سازمان های زنان بیشماری فعال می باشند که در شبکه ای گسترده با هم متصل بوده و شدیداً به کمک مالی و پشتیبانی ما نیازمندند.

بمناسبت 8 مارس روز جهانی زن

سال تحسین جهانی از زن ایرانی

سه شنبه ۱۸ اسفند ۱۳۸۸ - ۹ مارس ۲۰۱۰

گرایش ضد تبعیض - جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

8 مارس 2010، روز جهانی زن را به تمام زنان جهان تبریک می گوئیم و به زنان ایرانی که با وجود تبعیض ها و محرومیت های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ایران، پرشورترین سال مبارزه برابری خواهی

و استبداد ستیزی را رقم زدند، درود می فرستیم.

زنان ایرانی در سال گذشته توجه تمام جهان را نه تنها به مبارزه برای تامین حقوق برابر با مردان جلب کردند، بلکه نماد و جلودار مبارزه مردم ایران برای آزادی و دموکراسی شدند.

حضور زنان در مبارزه آزادی خواهی در ماه های قبل و پس از "انتخابات تقلبی" ریاست جمهوری رژیم، هم در اوج گیری این جنبش نقش بی بدیل داشت و هم در دفاع از فعالین و تظاهرکنندگان، زنان عملا خود را سپر بلای مبارزان جنبش آزادی خواهی کردند تا آنان را از گزند حمله چماق داران حاکمیت جمهوری اسلامی در امان نگهدارند. این رشد چشمگیر آگاهی و شور مبارزاتی زنان ایران بر پایه سال ها کار خستگی ناپذیر فعالان حقوق زنان و روش صبورانه برپایه تجربه های گذشته و جهانی، تماس رو در رو و از خود گذشتگی آنان حاصل شده است. براساس این آزموده ها، امروز زنان ایران بیش از پیش به این باور می گروند که آمیخته شدن دین با حکومت، علت ریشه ای نابرابری ها در جامعه ایران است و می بایست استقلال نهاد های دین و حکومت را از هم خواستار شد.

با وجود رشد بی سابقه آموزش و تحصیلات دانشگاهی و عالی زنان، بخاطر حضور کم رنگ و نابرابر زنان در عرصه های کار و تولید، بخش بزرگی از نیروی کار ارزشمند زنان صرف توسعه و پیشرفت کشور نمی گردد و نبود استقلال و توان مالی عاملی بنیانی در تثبیت نابرابری ها و تبعیض ها در حق زنان است. حق کار و دستمزد برابر و نیز ایجاد محیط انسانی و ایمن برای زنان در محل کار و حمایت قانون کار، از مهمترین چالش های پیش رو برای ساختن یک جامعه دموکراتیک است.

با وجود تمامی دشواری هایی که نظام جمهور اسلامی برای حضور زنان در عرصه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایجاد نموده است، زنان ایرانی با مبارزه روزمره در جامعه در همه جا حضور دارند و دیکتاتوری ارتجاعی ولایت فقیه که دیگر نمی تواند خواست و اراده زنان را نادیده بگیرد، در چالش دائمی با زنان است.

حضور بارز زنان در عرصه مبارزه برای تساوی حقوق ملی و دفاع از زبان مادری و فرهنگ ملی نیز محتوا و مضمون روشن تر و واقعی تر به خواست های ملیت ها داده است و به تقویت جنبش های ملی انجامیده است.

در 8 مارس امسال، افق و چشم انداز آزادی، دموکراسی و رهائی زنان از نابرابری و تبعیض ها هرچه روشن تر و امیدوار کننده تر است.

پیروز باد مبارزه زنان ایران برای حقوق برابر برای انسان ها !

گرایش ضد تبعیض – جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران
8 مارس 2010 – 17 اسفند 1388

ادامه بقا بجای زندگی

سه‌شنبه ۱۸ اسفند ۱۳۸۸ – ۹ مارس ۲۰۱۰
تحقیقات جدید: 70 تا 90% کسانی که با دستمزد های ناچیز بدون امنیت های اجتماعی در سطح جهان بکار مشغولند زنان می باشند
* Jana Frielinghaus

برگردان ناهید جعفرپور

در رسانه هائی چون " دی ولت" و " فینانسیال تایمز" آلمان و یا " فرانکفورتر آلگماینه" جهانی سازی سرمایه داری مرتبا بعنوان موتور رفاه و آسایش برای بشریت مورد تحسین قرار می گیرد. آنها برای اثبات این ادعا به بالا رفتن محصولات ناخالص داخلی اشاره می نمایند و مسلما در این میان زنان بعنوان برندگان جهانی سازی معرفی می شوند. به واقع هم مراکز تولیدی کنسرن های چند ملیتی در مناطق آزاد تجاری کشور های در حال توسعه برای زنان امکان کار و برخی از امکانات برای خروج از مناسبات خانگی مردسالاری را مهیا نموده اند. اینکه مزد دریافتی برای این گونه مشاغل در شرایط بسیار بد کاری و فارغ از هرگونه امنیت اجتماعی آنچنان غیر انسانی و ناچیز است به هیچ وجه در این رسانه ها قید نمی شود.

نگاهی کوتاه به شرایط زندگی " زنان در سایه جهانی سازی" در تحقیق انستیتوی زیگبورگر زودویند و کلیسای پروتستان لوتر بایرن آلمان درج گردیده است که بنام " اقتصاد غیر رسمی و منطقه آزاد صادرات" علنی گشته است.

اینگبرگ ویک محقق این کار تحقیقی آمار های "سازمان همکاری های مشترک و توسعه" و "سازمان بین المللی کار" را مورد تحقیق قرار داده است و تصویری روشن از وضعیت دستمزدی و شرایط کاری زنان

کارگر این مناطق را به ما ارائه می دهد. برای مثال ماریا توررو آوالوس از پرو که در خانه دوزندگی لباس های با سنگ و مروارید را انجام می دهد برای هر لباسی که کاملاً به پایان می رساند این زن 48 ساله چیزی میان 5 سنت تا یک یورو در یافت می نماید و بدینوسیله تنها بخشی ناچیز از حداقل دستمزد دولتی 120 دلار در ماه را دریافت می نماید.

اگر ماریا مریض بشود هیچ درآمدی نخواهد داشت. حتی او نمی داند برای چه کسی کار می کند. واسطه ای که ماریا از وی لوازم دوزندگی را می گیرد از سوی کارگاهی بزرگ است که این کارگاه هم با کارگاه بزرگتر دیگری در رابطه است. خانم ویک می خواهد این مسئله را نشان دهد که زنان در کشور های در حال توسعه به این علت به این گونه مشاغل طاقت فرسا و کم مزد تن می دهند، چون مادرانی که غالباً سرپرست خانوار هستند و کودکان خویش را به تنهایی بزرگ و تغذیه می کنند مجبور هستند به هر شرایط طاقت فرسائی تن در دهند.

تعداد مناسبات کاری بدون امنیت های اجتماعی در سال های اخیر بصورت غم انگیزی افزایش یافته است. طبق آمار سازمان جهانی کار درست دو سوم تمامی کارگران سال گذشته در سرتاسر جهان در اقتصاد غیر رسمی کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته به کار مشغول بوده اند. در جنوب جهان فروشندگان خیابانی زن، کار زنان در کارگاه های کوچک، بعنوان مستخدم و زنانی که کار در خانه می کنند - در شمال جهان کارهای کم مزد، زنانی که نیمه وقت کار می کنند، روزمزدی کار می کنند، قرار دادی و فصلی کار می کنند در شرکت های کوچک و بزرگ. در سراسر جهان دو سوم این کارگران فقیرند.

3500 مناطق آزاد تجاری که به بعدی گسترده کار بدون امنیت اجتماعی را ارائه می کنند و هر روز بیشتر از پیش انسانهایی را که در اثر پیامد انهدام ساختارهای محلی بیکار شده اند را به چنین کارهایی جذب می کنند، در شرایط کنونی در 1300 کشور متمرکزند و در حدود 66 میلیون نفر کارگر دارند که 70 تا 90% آن کارگران زنان هستند. زنانی که تمامی حقوق کار از آنها گرفته شده است.

جالب اینجاست که چه برای کارگران زن و چه برای کشورهای که شرکت های بین المللی در مناطق آزاد آن به تجارت می پردازند رفاهی وجود ندارد. تقریباً در 130 کشوری که مناطق آزاد تجاری برقرارند در این کشورها به هیچ وجه رشد اقتصادی پدید نیامده است. منفعت بزرگ را تنها شرکت های غربی داشته اند و میلیارد ها دلار از کشورهای در

حال توسعه به کشورهای صنعتی واریز گشته است.

در کنار 66 میلیون کارگری که در کارخانه های مناطق آزاد بکار می پردازند طبق آمار سازمان جهانی کار بین 150 تا 300 میلیون انسان دیگر کار را در خانه های خود انجام می دهند و تولیدات را به واسطه ها تحویل می دهند. این کارگران به واقع کارگرانی هستند که "در سایه جهانی سازی" قرار گرفته اند. تک و تنها و بدون هرگونه نماینده اتحادیه ای که از حقوق آنها دفاع کند.

به بهانه 8مارس، روز جهانی زن

سال 88 به کام زنان نبود

یکشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۸۸ - ۷ مارس ۲۰۱۰

ایلنا (مرضیه نوری): در سالی که گذشت اخبار مختلفی در رابطه با مسائل مرتبط به زنان به گوش رسید. برخی از این خبرها و اقدامات مسئولان در رابطه با زنان به گونه ای است که می توان این گونه نتیجه گیری کرد که در سال 88 تصمیم گیری های مثبتی برای بهبود وضعیت زنان صورت نگرفته است. بررسی مجدد ماده 23 و 25 لایحه حمایت از خانواده در کمیسیون حقوقی و قضایی با وجود حذف این مواد در سال گذشته، تفکیک جنسیتی در دانشگاه ها، ترویج ازدواج موقت در کشور، پیشنهاد به دانش آموزان برای ازدواج زودهنگام، تفکیک جنسیتی کتب دانش آموزان و طرح محرم سازی مدارس و ... از آن جمله مواردی هستند که می توان به عنوان ادله ای برای اثبات فرضیه نامناسب بودن فضا در سال 88 برای زنان به آنها اشاره کرد. خبرگزاری ایلنا به مناسبت فرا رسیدن روز جهانی زن اتفاقاتی که در یک سال گذشته در حوزه زنان رخ داده مرور می کند.

زنان و انتخابات ریاست جمهوری:

در اوایل سال جاری و با نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری اعظم طالقانی، دبیر کل جامعه زنان انقلاب اسلامی از کاندیداتوری خود در

انتخابات ریاست جمهوری خبر داد. او در رابطه با علت کاندیداتوری خود گفت: مهمترین چالش پیش رو در قانون انتخابات بحث رجال است که متأسفانه با تفسیرهای ناصواب مانع از حضور زنان در عرصه های مدیریتی کلان کشور شده است به همین دلیل برای شکستن چنین تابویی در عرصه انتخابات حضور خواهم یافت. بعد از اعلام حضور دبیر کل جامعه زنان انقلاب اسلامی در انتخابات ریاست جمهوری بحث رجل سیاسی و تفاسیر مختلف از آن در کشور مورد بررسی قرار گرفت و فعالان سیاسی در رابطه با این موضوع به اظهار نظر پرداختند تا اینکه عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان در یک نشست خبری اعلام کرد نامزدی زنان در انتخابات ریاست جمهوری منعی ندارد و شورای نگهبان هرگز اصطلاح رجل سیاسی را که در قانون اساسی آمده تفسیر نکرده است.

کدخدایی گفت: رویه شورای نگهبان مثل سابق است، در گذشته هم از بانوان کسانی بودند که ثبت نام کردند و شورای نگهبان در این زمینه نظر خاصی ندارد و منع خاصی هم وجود ندارد، قانون خاصی هم نسبت به ثبت نام و بررسی صلاحیت زنان وجود ندارد و هر گاه زنی از سوی شورای نگهبان رد صلاحیت شده به خاطر نداشتن صلاحیت عمومی بوده است. این سخنان در حالی توسط سخنگوی شورای نگهبان مطرح شد که پیش از آن غلامحسین الهام سخنگوی پیشین شورای نگهبان در آستانه انتخابات ریاست جمهوری دوره نهم در تعریف رجل سیاسی در قانون اساسی گفته بود: نص قانون اساسی، مرد بودن نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری است و علاوه بر این نامزد انتخابات باید رجل سیاسی باشد.

در آستانه انتخابات ریاست جمهوری همچنین فعالان حقوق زنان و برخی از تشکلهای فعال در مسائل زنان در نشستها و بیانیه‌هایی مطالبات خود را از رئیس‌جمهوری آینده اعلام کردند. برقراری صلح در کشور، مشارکت آزادانه افراد در تعیین سرنوشت خود، منزوی نبودن ایران در مجامع بین‌المللی و ارتباط مناسب با سایر ملل، توجه به مسائل زیست محیطی، جلوگیری از هر گونه تبعضات جنسیتی، قومی، مذهبی و بین‌المللی در کشور، جلوگیری از هر نوع نگاه امنیتی - پلیسی به فعالان مدنی همچون زنان، دانشجویان، هنرمندان، نویسندگان و روزنامه‌نگاران، روحانیون، معلمان، کارگران، جلوگیری از هرگونه رفتار قیم‌مابانه نسبت به شیوه زیست و زندگی زنان و جوانان و سایر اقشار اجتماعی، تضمین آزادی‌های مدنی شهروندان، آزادی بیان و آزادی پس از بیان برای همه اقشار و گروه‌های اجتماعی و سیاسی

در چارچوب قانون اساسی، ایجاد آزادی تشکیل اجتماعات و فعالیت های گروه های داوطلب و غیردولتی و تشکل های صنفی در جهت توانمندسازی، توسعه پایدار و صلح و برابری از جمله این مطالبات بود.

تصویب پرداخت مابه‌التفاوت دیه زن از صندوق تأمین خسارات در کمیسیون قضایی

تصویب پرداخت مابه‌التفاوت دیه زن از صندوق تأمین خسارات در کمیسیون قضایی از جمله دیگر رویدادهایی بود که در سال جاری اتفاق افتاد. زهره الهیان، عضو فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی در این رابطه گفت: با اصلاح لایحه مجازات اسلامی در کمیسیون قضایی، مابه‌التفاوت دیه زن و مرد از طریق صندوق تأمین خسارات بدنی تأمین می‌شود. او در رابطه با این تصویب اظهار کرد: در جامعه امروزی زنان به عنوان کمک خرج خانواده از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند و از بعد اقتصادی زنان در زمینه اشتغال و ارزش افزوده اقتصادی کارخانگی که رقم قابل توجهی است برای خانواده‌ها دارای اهمیت ویژه‌ای هستند و نظام جمهوری اسلامی برای اعتلا و پیشرفت زنان، امروزه هزینه‌های زیادی انجام داده تا يك زن به تحصیلات عالی دست پیدا کند و در سطوح مختلف مسئولیتی و مدیریتی قرار گیرد. بنابر این حکومت اسلامی با توجه به تدابیر روز می‌تواند مواضعی را اتخاذ کند تا مسئله دیه در نظام جمهوری اسلامی بعد از فوت يك زن مشکلات معیشتی جدیدی را برای خانواده متوفی ایجاد نکند.

به گفته او بندهای لایحه مجازات اسلامی که در کمیسیون قضایی مطرح است اضافه شده و در آن بند تصویب شده است که مابه‌التفاوت دیه زن نسبت به مرد از طریق تأمین خسارت بدنی تأمین شود و این صندوق موضوع ماده 10 قانون اصلاح قانون بیمه اجباری و مسئولیت بدنی دارندگان وسایل نقلیه شخص ثالث است بنابر این از این به بعد مابه‌التفاوت دیه زن و مرد در قتل عمد و قتل غیرعمد غیرتصادفات از محل این صندوق پرداخت می‌شود. بند فوق به تصویب نهایی در کمیسیون قضایی رسیده است و تصویب لایحه مجازات اسلامی در مراحل پایانی است و لایحه فوق به صورت اصل 85 ابتدا در کمیسیون تصویب شده و 6 ماه به صورت آزمایشی به اجرا گذاشته می‌شود و مجدداً لایحه برگشته و اصلاحات در جهت رفع نواقص و خلاء در طول مدت آزمایشی احصا می‌شود و مجدداً به تصویب نهایی خواهد رسید.

طرح استتار یا محرم سازی مدارس دخترانه

در خرداد ماه سال جاری مدیرکل امور بانوان وزارت آموزش و پرورش از اجرای طرح شاداب سازی مدارس دخترانه با کمک سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس خبر داده و گفت با اجرای این طرح دختران می توانند بدون حجاب در مدارس حاضر شوند. هدف از اجرای این طرح تحکیم بنیادهای اعتقادی دختران، التزام منطقی آنها به حجاب و ارتقاء سطح جسمانی و روانی دانش آموزان به منظور افزایش کیفیت آموزشی مدارس عنوان شد. مدیر کل دفتر امور زنان وزارت آموزش و پرورش بالا بودن اعتبار تامین این طرح را مهمترین دلیل عدم تحقق آن عنوان کرد و گفت: در حال حاضر تنها 10 درصد مدارس دخترانه کل کشور تحت پوشش طرح محرم سازی قرار گرفته است و 90 درصد مدارس ما نیازمند محفوظ و مفرح بودن برای تامین شاداب سازی هستند. به گفته سویزی برای اجرای طرح محرم سازی هر مدرسه ای حداقل بین 15 تا 20 میلیون تومان اعتبار لازم است؛ این در حالیست که در کل کشور 43 هزار مدرسه دخترانه وجود دارد که چنانچه این رقم را در کل مدارس دخترانه کشور در نظر بگیریم اعتبار بسیار سنگینی برای آن لازم است. وی گفت: با توجه به بالا بودن هزینه طرح محرم سازی مدارس دخترانه کشور یکی از سیاست های ما این است که جامعه خیرین مدرسه ساز و جامعه خیرین را به طور کلی متوجه این نیاز کنیم لذا ضروری است که توجه نهضت خیرین به طرح محرم سازی مدارس دخترانه هدایت شود.

وزیر آموزش و پرورش نیز در رابطه با طرح محرم سازی مدارس گفت: با این طرح دخترانه موافق هستم و آن را طرحی بسیار خوب میدانم زیرا باعث ایجاد نشاط در مدارس دخترانه میشود اما هزینه های انجام چنین طرحی بسیار بالا است.

لایحه حمایت از خانواده

بخش هایی از لایحه حمایت از خانواده که به پیشنهاد قوه قضائیه در جلسه هیات دولت محمود احمدی نژاد در تیر ۱۳۸۶ تصویب و به مجلس ارسال شد مورد انتقاد فعالان سیاسی و اجتماعی قرار گرفت. به گونه ای که در شهریور ماه سال 1387 به دنبال اعتراض های مداتوم زنان به نمایندگان مجلس و براساس نظر کارشناسان و صاحب نظران ماده 23(ماده ای که ازدواج مجدد مرد را بدون اجازه همسر با دو شرط تمکن مالی مرد و قول به اجرای عدالت در بین زنان را امکان پذیر می کرد) و ماده 25 (ماده ای که برای مهریه های بالا، مالیات در نظر می گرفت) لایحه حمایت از خانواده به منظور تحکیم بنیان خانواده حذف شد.

رحیمی مخبر کمیسیون قضائی و حقوقی در شهریور ماه گفت: با توجه به حساسیت‌هایی که از طرف علما و متدینین و زنان هموطن ابراز شده بود ریاست مجلس به کمیسیون قضائی توصیه کرد که برای تحکیم بنیان خانواده بهتر است لایحه حمایت از خانواده با دقت بیشتری بررسی شود و ماده 23 و 25 حذف شود.

لایحه حمایت از خانواده در خرداد ماه از دستور کار مجلس خارج شد و قرار شد بعد از پایان انتخابات ریاست جمهوری مجدداً در مجلس مورد بررسی قرار گیرد اما بعد از گذشت حدود یک سال از حذف این مواد از لایحه حمایت از خانواده، دوباره این دو ماده در کمیسیون حقوقی و قضایی مورد بررسی قرار گرفت و با تغییراتی در کمیسیون حقوقی و قضایی تصویب شد.

این ماده (23) با اضافه شدن 10 شرط به شکلی جدید به تصویب رسید. در ماده جدید گفته شده رضایت همسر اول، عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی، عدم تمکین زن از شوهر مطابق با حکم دادگاه، ابتلای زن به جنون یا امراض صعب‌العلاج، محکومیت قطعی زن در جرایم عمدی به مجازات يك سال زندان یا جزای نقدی که بر اثر عجز از پرداخت منجر به يك سال بازداشت گردد ابتلای زن به هرگونه اعتیاد مضر به حال خانواده به تشخیص دادگاه، سوء رفتار یا سوء معاشرت زن به حدی که ادامه‌ی زندگی را برای مرد غیر قابل تحمل کند، ترک زندگی خانوادگی از طرف زن به مدت 6 ماه، عقیم بودن زن و غایب شدن زن به مدت يك سال 10 شرطی است که بر اساس آن مرد می‌تواند با اجازه دادگاه همسر دوم اختیار کند.

نمایندگان مجلس باردیگر بدون اشاره به تصمیم که سال گذشته مبنی بر حذف مواد در دسرساز لایحه (23 و 25) گرفته بودند ماده 25 را هم به شکلی جدید مصوب کردند، بر اساس این تصمیم، در ماده 25 لایحه حمایت از خانواده، مهریه به دو بخش متعارف و نامتعارف تقسیم می‌شود و در صورتی که میزان مهریه بالاتر از حد متعارف باشد و در حالی‌که به دادگاه ثابت شود که مرد توان پرداخت مهریه نامتعارف را ندارد، پرداخت نکردن مهریه نامتعارف از جانب مرد باعث زندانی شدن او نمی‌شود، یا به عبارت دیگر فقط مهریه‌های متعارف مورد حمایت قانونگذار و دولت قرار گیرد و مهریه‌های نامتعارف از حمایت قانونی لازم برخوردار نمی‌شوند. تغییرات ایجاد شده در این مواد بازهم مورد حمایت جامعه قرار نگرفت و انتقاد و ایرادات فراوانی از جانب حقوق‌دانان، فعالان اجتماعی، علما و زنان نسبت به این مواد صورت گرفت. این انتقادات و نارضایتی مردم از لایحه حمایت از خانواده

سبب شد که این لایحه دوباره از دستور کار مجلس خارج و رسیدگی به آن به سال آینده موکول شود.

تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها

تفکیک جنسیتی دانشجویان، در سال‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی هم مورد توجه برخی گروه‌ها قرار داشت و حتی در برخی کلاس‌های درس دانشگاه‌های تهران، اصفهان و شهرهای دیگر دیواری پارچه‌ای بین دختران و پسران کشیده شد، ولی این اقدام با مخالفت امام خمینی، رهبر معظم انقلاب اسلامی روبه‌رو شد.

یکی از اخباری که در سال 88 افکار عمومی را به سمت خود متمرکز کرد، تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها بود. این طرح زمانی که مطرح شد، برخی از آن استقبال کردند و برخی آن را خلاف مصالح جامعه تشخیص دادند. اما در هر صورت مسئولان دولتی اعلام کردند که قصد تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها را در حال حاضر ندارند اما معتقدند که در دانشگاه‌های تک جنسیتی دانشجویان بهتر می‌توانند درس بخوانند و مشکلات حاشیه‌ای کمتری در این دانشگاه‌ها وجود دارد.

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در نخستین قدم از به راه افتادن چنین بحثی ابراز بی‌اطلاعی کرد، بعد بلافاصله آن را کذب محض خواند و سپس اعلام کرد تنها چیزی که وجود دارد و از طرف وزارت علوم مطرح شده این است که رشته‌هایی خاص زنان و رشته‌هایی خاص مردان در دانشگاه‌ها ایجاد می‌کنیم.

وزیر علوم تحقیقات و فن آوری در آخرین اظهار نظر خود در رابطه با تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها گفت: وقتی در جامعه تقاضا و نیاز برای دانشگاه‌های تک جنسیتی وجود دارد چه اشکالی دارد دانشگاه‌هایی مانند دانشگاه الزهراء (س)، حضرت معصومه (س)، امام صادق (ع) و امام حسین (ع) که عملکرد خوبی هم ارائه داده‌اند، بیشتر داشته باشیم زیرا این حق خانواده‌ها و ملت شریف ایران اسلامی است که انتخاب کند در کدام دانشگاه و در چه فضایی می‌خواهند فرزانشان تربیت شده و عالم شوند کامران دانشجو در رابطه با راه اندازی دانشگاه‌های تک جنسیتی گفت: به هیچ وجه قصد تفکیک جنسیتی و جدا سازی دانشجویان در دانشگاه‌ها را نداریم لکن به موسسات آموزش عالی غیرانتفاعی جدید این مجوز را می‌دهیم که تک جنسیتی باشند تا به نیاز بخشی از جامعه پاسخ داده شود. چندی پیش هم مدیر کل دفتر آموزش‌های آزاد و غیرانتفاعی وزارت علوم از راه اندازی، چهار دانشگاه تک جنسیتی در

تهران و شهرستان‌ها خبر داد.

تفكيك جنسيتي كتب درسي

در ادامه این سیاست‌ها همان اوایل سال تحصیلی، وزیر آموزش و پرورش هم حرف‌های جالب‌توجهی در مورد وضعیت دختران دانش‌آموز عنوان کرد: در رابطه با تغییر کتاب‌های درسی از سن 9 سالگی بین دانش‌آموزان دختر و پسر گفت: در نظام آموزشی جدید تا سن هفت سالگی تعلیم و تربیت کودک براساس بازی است اما در 9 سالگی کتاب درسی بین دختران و پسران متفاوت می‌شود.

تدوام این نگاه پیشنهاد آموزش دفاعی برای دانش‌آموزان دختر را به دنبال داشت، آنچنان که مدیران آموزشی این موضوع را در سند ملی آموزش و پرورش گنجانند.

سازمان ملی جوانان و راه اندازی مراکز همسر یابی

در اردیبهشت ماه سال جاری مدیر کل دفتر فرهنگی سازمان ملی جوانان از ارائه طرحی به دولت خبر داد که در صورت تصویب نهایی آن، مراکز تخصصی ازدواج و خانواده راه اندازی می‌شود.

مجید امیدی گفت: با راه اندازی این مراکز مردم به صورت تخصصی از مراکز مورد تایید سازمان ملی جوانان خدمات مورد نظر خود را در حوزه ازدواج دریافت می‌کنند.

مدیر کل دفتر فرهنگی سازمان ملی جوانان گفت: سازمان ملی جوانان به درخواست دولت طرحی را در مورد تشکیل مرکز تخصصی ازدواج و خانواده تهیه کرده است و این طرح را تقدیم هیات دولت کرد تا مورد بررسی قرار گیرد.

امیدی با تاکید به اینکه افرادی که در زمینه مشاوره در مورد ازدواج فعالیت می‌کنند، اکثراً فارغ التحصیلان و کارشناسان رشته روانشناسی هستند و در حوزه ازدواج از تخصص کافی برخوردار نیستند، افزود: متأسفانه در این حوزه يك خلا غیر قابل باوری احساس می‌شود که نیازمند ایجاد يك موسسه تخصصی در این رابطه است.

مدیر کل دفتر فرهنگی سازمان ملی جوانان گفت: با تشکیل مراکز تخصصی ازدواج، يك مرکز امین و تخصصی در این زمینه برای خانواده‌ها ایجاد می‌شود که می‌توانند برای حل مشکلات خود در حوزه ازدواج به این مراکز مراجعه کنند.

مهر داد بذر پاش رییس سازمان ملی جوانان نیز در این رابطه گفت: مراکز همسریابی و مشاوره امین پس از تصویب هیئت دولت برای کاهش مشکلات همسریابی و انتخاب همسر ایده آل در سراسر کشور راه اندازی می شود. سعی کرده ایم در این مراکز همسر دلخواه خود را پیدا کنند. این در حالی است که اطلاعات افراد در این مراکز به صورت محرمانه باقی می ماند.

مدیر کل امور فرهنگی و اجتماعی سازمان ملی جوانان در آخرین اظهار نظر خود نیز در رابطه با ایجاد مراکز همسر یابی گفت: طرح ایجاد مراکز تخصصی ازدواج و خانواده هم اکنون در حال بررسی در کمیسیون فرهنگی دولت است و امیدوار هستیم تا پایان سال جاری این طرح به تصویب برسد و سال آینده به صورت پایلوت در پنج استان کشور اجرا شود.

او گفت: با تصویب این طرح، سازمان ملی جوانان متولی اعطای مجوز به مراکز تخصصی ازدواج و خانواده و نیز نظارت بر این مراکز خواهد بود که این مجوز بر اساس چارچوب های از پیش تعیین شده ای به افراد اعطا می شود که یکی از مهم ترین اصول آن، تخصص فرد متقاضی در امر ازدواج و خانواده است. در چشم انداز طرح، بر اساس این معیارها تعداد مورد نیاز مراکز ازدواج و خانواده در هر استان معین خواهد شد.

تبلیغ ازدواج موقت در کشور

وقتی همه این موضوعات برای سیاستهای جدید در مقابل زنان زمینه چینی شد، بحث به قانونی شدن «ازدواج موقت» در کشور کشید. یکی از مهم ترین اشخاصی که در چند ماه گذشته در رابطه با لزوم ترویج ازدواج موقت در کشور اظهار نظر کرد اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی کشور بود. او ازدواج موقت را راه حل مناسبی برای شرعی کردن، ارتباطات نامناسب میان دو جنس مخالف عنوان کرد. احمدی مقدم از نگاه منفی ای که در جامعه نسبت به ازدواج موقت وجود دارد ابراز گلایه کرد و گفت وقتی از ازدواج موقت حرف می زنیم گویا کفر گفته ایم به طوری که در جامعه ارتباط نامشروع آنقدر قبح ندارد که ازدواج موقت قبح دارد. به اعتقاد احمدی مقدم، در اذهان مردم ازدواج موقت وسیله ای برای زیاده خواهی افرادی است که ازدواج کرده اند، در حالی که اینگونه نیست و رابطه نامشروع دختر و پسر می تواند در چارچوب قانون و شرع ضابطه مند شود. او گفت: آثار حقوقی و اجتماعی ازدواج موقت را اسلام مشخص کرده است اما امروز اگر

زمینه را برای ازدواج چه دائم و چه موقت فراهم کنیم چنان حمله ای می کنند که رابطه نامشروع ترجیح داده می شود. فرمانده ناجا نسبت به اتفاقاتی که در جامعه در رابطه با روابط بین دو جنس مخالف در حال وقوع است هشدار داد و از دستگاه های اجرایی خواست برنامه ریزی مناسبی برای حل این معضل داشته باشند.

علی مطهری، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران نیز از جمله دیگر افرادی بود که موافقت خود را با ازدواج موقت عنوان کرد او حتی این نوع ازدواج را به دانش آموزان نیز توصیه کرد. این عضو کمیسیون فرهنگی مجلس، ازدواج موقت را عاملی در جهت کمک به سلامتی افراد دانست و گفت ازدواج موقت باعث فروکش کردن عقده های روحی و روانی افراد می شود. به گفته او با ترویج ازدواج موقت در جامعه مسائل جنسی تبدیل به موضوعی عادی می شود که اسلام هم راه را برای آنها باز گذاشته است. مطهری گفت همه ما می دانیم که امروزه دختران و پسران با هم دوست می شوند و روابطی را برقرار می کنند که همه ما می دانیم نامشروع است و حتی در بسیاری از مواقع خانواده ها هم در جریان هستند.

ما هم می گوئیم باشد همین رابطه در جریان باشد اما به صورت مشروع. آنها بیایند و ازدواج موقت کنند. اما در حال حاضر می بینیم که متأسفانه در بسیاری از خانواده ها دوستی بین دختران و پسران مرسوم شده است. حتی در حد صحبت کردن و معاشرت عادی. من می گویم این رابطه را بیاییم و سروسامان دهیم همین. در حال حاضر تحریکات جنسی در جامعه ابزار متعددی پیدا کرده است. خوب است بیاییم و روش اسلامی آن را به کار ببریم و دست از عرف نادرستی که برای خودمان مرسوم کرده ایم بر داریم. اصولاً اسلام توصیه می کند گزینه جنسی را تحریک نکنیم. باید برای دختران و پسران شرایط را مهیا کنیم تا کمتر به گناه آلوده شوند باید هدف این باشد. مثلاً ورزش کنند و به کار و فعالیت اجتماعی پردازند و شرایط برای ازدواج موقت هم فراهم شود.

ازدواج دانش آموزان

و دقیقاً بعد از طرح این مباحث بود که مدیران آموزشی ازدواج دانش آموزان را مطرح کردند، در سال 1388، مسئولان کشور دانش آموزان را به ازدواج توصیه و تشویق کردند. رییس آموزش و پرورش شهر تهران گفت: اگر شرایط ازدواج برای دانش آموز دختری فراهم شد و خواست که ازدواج زودهنگام داشته باشد که ما هم آن را توصیه

می‌کنیم، در آن موقع، نظام آموزش و پرورش مدل دیگری از خدمات آموزشی را برای آنها فراهم می‌کند و سازماندهی متفاوتی برای آنها در نظر می‌گیرد که از آن جمله فراهم آمدن امکان ادامه تحصیل در آموزشگاه بزرگسالان است. وزیر آموزش و پرورش نیز از ازدواج دانش آموزان دختر حمایت کرد و گفت از ازدواج دانش آموزان خوشحال می‌شود و البته در عین حال اعلام کرد که اگر دختری ازدواج کند باید به مدارس شبانه برود و علت این امر را هم تغییر ایجاد شده در سبک زندگی دختران ازدواج کرده عنوان کرد. 8 مارس، روز جهانی زن مصادف با روزهای پایانی سال است. با مروری بر اتفاقات سال گذشته می‌بینیم که سال 88 سالی به کام زنان ایرانی نبوده است. می‌توان گفت پایه‌ریزی بیشتر این سیاست‌ها از سال 1384 در کشور آغاز شد. با این توضیحات و با توجه به شرایط کشور می‌توان پیش‌بینی کرد که اگر زنان اقدامات جدی‌ای برای بهبود وضعیت خود انجام ندهند و از راههای قانونی به بیان شکایات خود نپردازند، سال 89 نیز چندان به کام زنان رقم نمی‌خورد.

منبع: مدرسه فمینیستی

راهی سی ساله، از زنستیزی تا تبعیض‌ستیزی

یکشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۸۸ - ۷ مارس ۲۰۱۰

تغییر نگاه به زن، نظام جمهوری اسلامی، چون هر رژیم پوپولیست و ایدئولوژیک، از ابتدا برای برقراری و تثبیت نظامش، اجبار و وفاق عمومی را با هم تلفیق کرد. یکی از موارد وفاق عمومی که بخش با سکوت توأم شد، در حجاب کردن زنان و به این واسطه "پالایش جامعه از فسق و فجور و غربزدگی" بود.

نظام پدرسالاری، نه تنها اکثریت زنان، بلکه مردان روشنفکر و یا تحصیل کرده و مثلن آگاه را نیز به این تله کشید. اکثریت مردان کشور ما سال‌ها به بند کشیدن زنان و دختران و خواهران خود را تحمل کردند، به آن بی‌تفاوت ماندند و یا با سودجویی از عوایدش، بر آن

صحه گذاشتند. جز اقلیتی کوچک و در فشار، اکثر مردان تا سالها از مواهب زن ستیزی و قوانین آن، از چند همسری، حق ویژه مرد در امر طلاق و اجازهی سفر و کار...، که در جهت فرودستی زن مهندسی شده بود بهره بردند. اغلب با افتخار و برخن در خفا، مبارزات زنان از یکسو و رشد آگاهی و مخالفت مردم با نظام تمامیت‌گرا و آزادی‌کش از سوی دیگر، به خلق تعریف جدیدی از زن و تحمیل آن به مردان منجر شد. مردان جوان نیز که در چارچوب ساختار نظام حاکم، در رده‌های پایین هیرارشی پدرسالارانه قرار دارند، بیش و پیش از دیگران در یک همبستگی طبیعی با زنان قرار گرفتند و حمایتشان از مبارزات زنان بر توان جنبش تغییر برای برابری افزود. نظام جمهوری اسلامی به گواه فریادهای روزمره مردم، اکنون به بن‌بست طبیعی تاریخی خود رسیده است. همه‌ی تابوها و نمادهای سنتی و مذهبی بازتعریف می‌شوند و اغلب از محتوی خود تهی. هر آنچه سمبل و دست‌آویز بسیج برای حفظ نظام بود اکنون به اسلحه‌ای در دست مردمان مخالف تبدیل شده است. از محرم و عاشورا گرفته تا حجاب برتر، سی سال حاکمیت و تبلیغات تمامیت‌خواهانه‌ی یک نظام ایدئولوژیک بیشک تاثیرات مخربی در شکل‌گیری تفکر و بر رفتار مردم داشته است. اما ضد ارزش شدن ارزش‌ها معمولن یکی از مهم‌ترین دست‌آوردهای تجربه‌ی تلخ نظام‌های ایدئولوژیک است. یکی از ارزش‌های حیاتی حکومت اسلامی بنیادگرایانه که ریشه در سنت‌های پدرسالارانه و حرم‌سراییی ایران سلطنتی هم دارد، تفکیک جایگاه شهروندان بر اساس جنسیتشان است. تعبیه‌ی جایگاه فرودست برای زنان، نشانه‌دار کردن آنها به واسطه‌ی حجاب و تقسیم عرصه‌های حضور اجتماعی زنان به مجاز و غیرمجاز، از ارکان اصلی و حافظ ساختار نظام جمهوری اسلامی است. اکنون همین ارزش‌ها، با وجود ریشه داری، به ضد ارزش تبدیل شده‌اند. مذموم هستند و میزان دوری از آنها و ردشان، سرعت سبقت در مسابقه‌ی سیاست را تعیین می‌کند. بن‌بست تاریخی همین‌جاست. رژیم‌های پوپولیستی و مردم‌فریب به بن‌بست تاریخی خود که می‌رسند به کاریکاتور دیکتاتوری تبدیل می‌شوند. رهبرانی می‌یابند که بیشتر مایه‌ی شرمساری و مضحکه هستند تا موجب افتخار یا مایه‌ی ترس. نیروهای سرکوبگر رژیم‌های ترد شده نیز معمولن در هراس واپسین روزهای گرفتاری در بن‌بست بی‌بازگشت، دستپاچه می‌شوند و دسته گل به آب می‌دهند. وقتی دیگر از اعدام، آدم‌ربایی، شکنجه، تحقیر، نمایش تلویزیونی، تجاوز... سودی نمی‌جویند، ناگزیر سراغ استعدادهای دیگرشان می‌روند. اما طرفندهای عجولانه و هراسان از نابودی‌شان نیز، به ضد خود و به دست‌آویز مخالفان تبدیل می‌شود. داستان عکس‌شمرنده‌ی مجید توکلی در حجاب برتر که به نیت تحقیر دانشجویان پسر تدارک دیده شده بود، دسته گل سازمان امنیتی

دستپاچه است که از فرط زبونی به زخم زبان روی آورده است. رژیم جمهوری اسلامی با محجبه کردن قربانی، خود اقرار کرد که حجاب برتر و اجباری‌اش در آن شکل و شمایل فرمایشی و اونیفورمی، ابزار تحقیر است. واقعه به ویژه به زنان دنباله رو و حامی نظام نشان داد که دستگاه حکومت، زن را نماد حقارت و زبونی می‌داند و آن همه تقدس بخشی به "زنان نستوه در حجاب برتر"، اگر فریب و ریا نباشد، تعارف ارزانی بیش نیست. درونی شدن بیزاری از زن‌ستیزی. نمایش تکراری "فرار با حجاب برتر" تلنگری شد برای برملا شدن بارقه‌های یک جهش فکری و فرهنگی تاریخی، برای آشکار شدن نگاهی نوین به زن. حادثه خود، نقطه عطفی شد در پروسه ارتقای آگاهی جنسیتی جنبش آزادی خواهی ایران. بسیاری مردان با سر کردن حجاب اجباری و در دست داشتن شعارهایی که نشان از همبستگی با زنان و خواست آزادی آنان داشت، نشان دادند که معنای عکس مرد در حجاب برتر را این بار به درستی درک کرده‌اند. حرکتی که به راه افتاد، بیش از هر چیز به ما نشان داد که زنان توانسته‌اند با کنشگری چندین ساله در عرصه زندگی سیاسی و اجتماعی کشور و یافتن صدای خود، به مردان پرورده شده در ساختار پدرسالانه بقبولانند که زن معادل حقارت، زبونی، ترس، خفت و نیرنگ نیست، که مسئله‌ی زن فقط مسئله‌ی زنان نیست. تلنگری حاصل این آموزه‌ها را به محک آزمایش گذاشت. نوع برخورد مردان جوان، هر چند به لحاظ جایگاه اجتماعی عمدتاً از میان روشنفکران و یا تحصیل کرده‌های جامعه، در مقایسه با نسل گذشته‌ی همین قشر، متحول شده است. نگاهشان واقعی و زمینی شده است. حرکت اعتراضی مردان این امید را در دل‌ها کاشت که مردان آگاه در ادامه‌ی روند تکامل فکری‌شان تاثیر عظیمی بر اکثریت شهروندان جامعه خواهند گذاشت. داستان عکس در "حجاب برتر" در مرحله‌ی تاریخی و سرنوشت‌ساز، مردان را نه تنها عملن در ضدیت با تحقیر زن و زنانه‌گی شریک کرد بلکه به مبارزه‌ی آنان پیوند زد. مردان با عکس‌های خود توانستند "خود" را در آینه‌ی "دیگری" نظاره و بیهودگی حجاب بر پیکر انسان را با عکس‌های خود لمس و بازتولید کنند. آنها توانستند برای اولین بار مرز زنانه‌گی و مردانه‌گی در ایران را در قالب تصاویری ماندگار بشکنند. فرصتی طلایی برای ضربه‌ایی کاری به زن‌ستیزی. سی سال حکومت بنیادگرایانه بر ایران و مخالفت ابتدا خزنده و اینک خیزشی در نقد ارزش‌های تحمیلی آن، فرصتی طلایی در اختیار جنبش زنان گذاشته است: فرصت به خاک سپردن برخی از ارتجاعی‌ترین ارزش‌های زن‌ستیزی. اکنون بیش از هر زمان دیگری در تاریخ کشور ما، مردم آمادگی پذیرش یک رفرم بزرگ فرهنگی و در جهت تغییر مثبت نگاه به زن و جایگاه او را دارند. رفرمی که نه زاییده‌ی انقلاب شکست خورده،

بلکه زایشگر تحولی انقلابی و پیروز است. این فرصت بزرگ می‌تواند بر اتخاذ استراتژی‌های جدیدی در جنبش زنان تاثیر بگذارد. تنها مخالفت با بازتولیدگران امروزین زن ستیزی نبوده که زنان فعال و آگاه را در گوناگونی‌شان، به صف مقدم کنشگران تغییرات بزرگ دموکراتیک در ایران کشانده است. افق جنبش زنان پهناورتر است. به همین دلیل است که باید با بلند کردن صدای خود، در همراهی با دیگر جنبش‌ها، همگان را بیش از پیش به استراتژی‌ها و اهداف خود فراخواند. هیچ نیرویی در این شرایط و تحت فشار رشد افکار عمومی در سطحی که شاهدش هستیم، توان نه گفتن به خواسته‌های زنان را ندارد. این شرایط می‌تواند با هر حادثه و تثبیت شرایط سیاسی از دست برود. باید از فرصت موجود بیشترین استفاده را کرد تا توانست بسیاری از بقایای قرون وسطایی زن ستیزی را که در تفکر، خانه و کاشانه‌ی همه ریشه دوانده با حامیان در قدرتش، یک باره از بام پرتاپ کرد. چنین موفقیتی، بزرگترین دست آورد و کارآترین ابزار در راه نهادینه کردن اصل برابری و دمکراسی در ایران خواهد بود. برای دستیابی به چنین موفقیتی، نیروهای سامانیافته‌ی جنبش زنان و کنشگران آن چاره‌ایی جز بسیج لایه‌های گوناگون زنان و برنامه‌ریزی حول مطالبات عمومی زنان در مسیر انقلاب برای "ایران دیگر" را ندارند. خواسته‌های زنان بنا به خاستگاه طبقاتی و سنی‌شان متفاوت است. اگر مشترک‌ترین مطالبات زنان طبقات محروم نگاه داشته شده، که اکثریت جمعیت زنان ایران را تشکیل می‌دهند، حق کار و دستمزد برابر، رفاه خود و فرزندانشان است، برای زنان جوان، همان آزادی در حضور اجتماعی و حق بر بدن خود است. الغای حجاب اجباری و پایان دادن به جدایی‌سازی‌های جنسیتی، بیشک از مشترک‌ترین خواسته‌ها میان زنان جوان از هر قشر و طبقه‌ایست. الغای قوانین زن ستیز خانواده کماکان آن بخش از خواسته‌های مشترک و بی‌واسطه‌ی زنان، صرف نظر از خواستگاه طبقاتی و سنی آنهاست. شعله ایرانی، ژانویه 2010

سرمقاله ی شماره 67/68 آوای زن

فوریه ۲۰۱۰